



موضوع و محتوا: آشنایی با، ارزش و اهمیت دوره نوجوانی، نگرش مثبت نسبت به زندگی، توجه به آینده و توانایی های خویش، آشنایی با شیوه ها و مهارت های بهره گیری از فرصت های زندگی و ارزش زمان و فرصت های طلایی را مغتنم شمردن.

در این درس با زیستن و زندگی زیبا آشنا می شویم، در فرهنگ دینی ما به نگاه عبرت آموز، تفکر، تأمل و عمیق نگاه کردن به پدیده ها سفارش بسیار شده است. نگاه پیامبر همراه با عبرت گرفتن بود و سکوت او همراه با اندیشیدن. حضرت علی (ع) می فرماید: «اضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصْبَةٌ» (از دست دادن فرصت ها غصه و اندوه آور است).



زندگی مجموعه ای از روزها و ماه ها و سال هاست؛ روزهایی که به شتاب می گذرند و هرگز باز نمی گردند. می گویند وقت طلاست ولی بدون تردید وقت از طلا گران بها تر است؛ زیرا با صرف وقت می توان طلا به دست آورد ولی دقیق تلف شده را با طلا نمی توان خرید.

واژه های مهم: شتاب: سرعت، تندی / هرگز: هیچ وقت، اصلاً / گران بها: ارزشمند / صرف: خرج کردن، مصرف کردن، به کار بردن / دقیق: جمع دقیقه، در اینجا لحظه ها / تلف شده: نابود شده، هلاک شده.
نکته های ادبی: می گویند وقت طلاست: تشبیه (وقت به طلا تشبیه شده است.) / روز، ماه، سال: مراعات نظیر.



چه بسیارند آنانی که وقت خود را بیهوده تلف می کنند. گویی قرن های طولانی در این جهان زندگی خواهند کرد. اگر پولشان گم شود، دل آزرده می شوند و در جست و جوی آن، دنیا را زیر و رو می کنند؛ اما هرگز از تلف شدن وقت خویش نگران و ناراحت نمی شوند.

واژه های مهم: گویی: انگار، مثل اینکه، گویا / تلف شدن: نابود شدن، هلاک شدن / نگران: ناراحت، غمگین.
نکته های ادبی: دل آزرده شدن: کنایه از ناراحت و غمگین شدن / زیر، رو: تضاد / زیر و رو کردن دنیا: کنایه از به هم ریختن همه جا برای پیدا کردن چیزی.

عمر حقیقی را شناسنامه ما تعیین نمی‌کند. زیستن و زندگی زیبا، تنها همان فرصت‌هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می‌گذرد.

واژه‌های مهم: حقیقی: راستین، واقعی، اصلی / تعیین: مشخص، معین / زیستن: زندگی کردن / فرصت: وقت، مجال.

می‌گویند، اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی‌کرد.

واژه‌های مهم: اثنا: میان، بین، در میان / گورستان: قبرستان / مزار: قبر، آرامگاه / مدت: زمان، وقت / حیات: زندگی / حیرت: تعجب و شگفتی / قبور: جمع قبر، گورها / صاحبان قبور: مردگان / حک کردن: تراشیدن، خراش روی سنگ، در اینجا نوشتن روی سنگ / تجاوز: از حد چیزی گذشتن / تجاوز نمی‌کرد: عبور نمی‌کرد، بیشتر نبود.

یکی از بزرگان شهر را پیش خواند. به او گفت: «شهری به این صفا، با هوای خوب و آب گوارا، چرا زندگی مردمش چنین کوتاه است؟» آن مرد بزرگ پاسخ داد: «ما زندگی را با نظری دیگر می‌نگریم، زندگی به خوردن و خفتن و راه رفتن نیست. اگر چنین باشد، ما با حیوانات تفاوتی نداریم. زندگی حقیقی آن است که در جست و جوی دانش و یا کار مفید و سازنده بگذرد. با این قرار، هیچ کس بیش از پنج و شش و حداکثر ده سال زندگی نمی‌کند؛ زیرا قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود.»

کسی در زندگی موفق است که اکنون و فرصت حال را دریابد و همیشه فکر کند که بهترین فرصت من امروز است. امروز را به فردا افکندن و به امید آینده نشستن، کار درستی نیست. همچنان که امروز را به یادآوری گذشته‌های از دست رفته، گذراندن و افسوس خوردن نیز شایسته نیست.

واژه‌های مهم: پیش خواند: فرا خواند، صدا زد / صفا: پاکی / گوارا: دلپذیر، خوش مزه / نظر: نگاه، دید / خفتن: خوابیدن / تفاوت: فرق / حقیقی: راستین، واقعی / اعظم: بزرگ‌تر / قسمت اعظم: قسمت بیشتر / غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی، نادانی / موفق: پیروز / دریابد: درک کند، قدر بداند / افکندن: انداختن / یادآوری: به یاد آوردن، به خاطر آوردن / افسوس: حسرت، دریغ / شایسته: سزاوار، لایق / شایسته نیست: درست نیست.

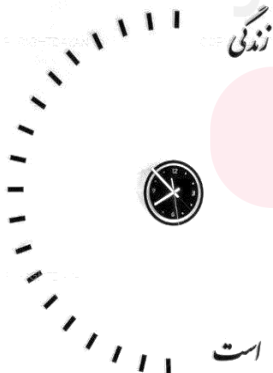
نکته‌های ادبی: پنج، شش، ده: مراعات نظیر / امروز و فردا: تضاد / سپری کردن: کنایه از گذراندن.

خیام شاعر بزرگ ایرانی گفته است:

از دی که گذشت، هیچ از او یاد کن / فردا که نیامده است فریاد کن

حالی خوش باش و عمر بر باد کن

برنامه و گذشته، بنیاد کن



واژه‌های مهم: دی: دیروز/ یاد: خاطر، ذهن/ فردا: در اینجا آینده/ فریاد: داد و بیداد/ نامده: نیامده، آینده/ حالی: اکنون.
نکته‌های ادبی: عمر بر باد مکن: کنایه از اینکه عمر را بیهوده تلف نکن/ بنیاد مکن: کنایه از اینکه تکیه نکن/ نامده و گذشته: تضاد/ دی (دیروز)، فردا: مراعات نظیر.

دانش زبانی: دی: متمم/ گذشته: فعل/ او: متمم/ فردا: نهاد/ نیامده است: فعل/ عمر: مفعول.
معنا و مفهوم: به روزهایی که سپری شده دیگر فکر نکن و به خاطر آینده‌ای که هنوز نیامده، خود را نگران نکن. بر آنچه که هنوز نیامده (آینده) و بر گذشته تکیه نکن. الآن خوش باش و عمرت را بیهوده تلف نکن.

آیا منظور از خوش بودن در این شعر، خنده‌های بیهوده و خوش‌گذرانی و به قول بعضی، آلفی خوش بودن است؟ «نه» خوشی واقعی، دل‌های دیگران را شاد کردن، گره از کار دیگران گشودن و با دیگران خندیدن است که خدا دوستدار کسانی است که شادی‌های خود را با دیگران تقسیم و غم را از دل دیگران منما می‌کنند.

واژه‌های مهم: قول: گفته، سخن/ آلفی: بیخود، بیهوده/ منما: کم کردن/ تقسیم: قسمت کردن/ منما می‌کنند: کم می‌کنند.
نکته‌های ادبی: تقسیم و منما: مراعات نظیر/ گره از کار دیگران گشودن: کنایه از حل کردن مشکلات دیگران/ شادی و غم: تضاد.

می‌گویند: قدر وقت را بدانید و دقایق گران‌بها را بیهوده از دست مدهید. مقصود این نیست که دائماً در کوشش و اضطراب باشید و راحت و آرام بر خود حرام کنید. ساعاتی که در مصاحبت دوستان می‌گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی‌های تفریحی مصرف می‌شود، در ردیف اوقات تلف شده، نیست.

واژه‌های مهم: قدر: ارزش/ گران‌بها: ارزشمند/ مدهید: ندهید/ مقصود: منظور، هدف/ دائم: همیشه، همواره/ دائماً: به طور همیشگی/ کوشش: سعی، تلاش/ اضطراب: نگرانی، ناراحتی/ آرام: آرامش، راحتی/ حرام: ناروا، ممنوع، ناشایست، امری که به جا آوردنش گناه است./ ساعات: جمع ساعت، در اینجا یعنی لحظه‌ها و وقت‌ها/ مصاحبت: هم‌صحبتی، هم‌نشینی، دوستی/ تفریح: شادمانی/ اوقات: جمع وقت/ تلف شده: نابود شده، هلاک شده.
نکته ادبی: گردش، بازی و تفریح: مراعات نظیر.

وقتی زیبایی‌های آفرینش را می‌بینیم، وقتی سبزه‌ها، گل‌ها، درختان، آسمان آبی یا پُر ستاره را با شگفتی و اعجاب مرور می‌کنیم و یا بر ساحل دریا، یا رودخانه می‌نشینیم، وقت خود را تلف نکرده‌ایم. این‌ها جزء زندگی است، مخصوصاً اگر با تأمل و فکر و عبرت همراه باشد.

واژه‌های مهم: سبزه: چمن/ اعجاب: شگفتی، حیرت/ جزء: بخشی از چیزی، جمع مکسر آن «اجزا» است./ مخصوصاً: بویژه، بخصوص/ تأمل: اندیشیدن، فکر کردن، درنگ/ عبرت: پند گرفتن.
نکته‌های ادبی: سبزه‌ها، گل‌ها و درختان: مراعات نظیر/ ساحل، دریا، رودخانه: مراعات نظیر.

زندگی، همین لحظه‌هاست و از دست دادن فرصت‌ها جز غصه و اندوه چیزی همراه ندارد.

این سخن زیبایی نهج البلاغه، یادمان باشد: «فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها می‌گذرند، فرصت‌های خوب و عزیز را دریابید».

واژه‌های مهم: فرصت: وقت مناسب، زمان / اندوه: غم، غصه، نگرانی، ناراحتی / نهج البلاغه: نام کتابی که در آن سخنان و نوشته‌های حضرت علی (ع) آمده است. مطالب این کتاب را سید رضی گردآوری کرده است. نهج البلاغه یعنی راه و روش زیبا سخن گفتن.

نکته ادبی: فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها می‌گذرند: تشبیه (فرصت‌ها به ابر تشبیه شده‌اند).

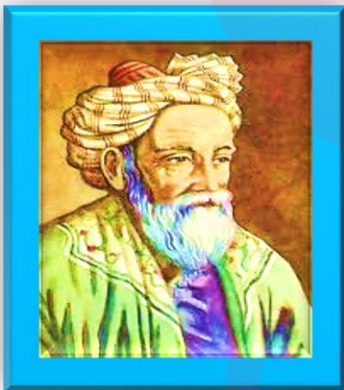
دانش زبانی: فرصت‌ها: نهاد / مثل: حرف اضافه / گذشتن ابرها: متمم / می‌گذرند: فعل.

معنا و مفهوم: «فرصت‌ها مثل گذشتن ابرها می‌گذرند، فرصت‌های خوب و عزیز را دریابید»: وقت‌ها و زمان‌ها مانند ابرها به سرعت می‌گذرند و می‌روند؛ وقت‌های باارزش را درک کنید (قدر فرصت‌ها را بدانید).

عباس اقبال آشتیانی، با تلخیص



عباس اقبال آشتیانی: از محققان و نویسندگان معاصر است. از آثار او می‌توان به «تاریخ مغول» و «وزراء سلاجقه» اشاره کرد.



حکیم عمر خیام: ریاضی‌دان، ستاره‌شناس

و شاعر بزرگ قرن پنجم است. در نیشابور می‌زیست و از بزرگ‌ترین شاعران پارسی‌گوی است. خیام را می‌توان بزرگترین رباعی‌سرای ایران نامید.

گروه آموزشی عصر



دانش زبانی

مهم‌ترین جزء جمله، فعل است. در تعریف فعل می‌گوییم کلمه‌ای که انجام دادن کار و یا داشتن صفت و حالتی را نشان می‌دهد. فعل‌هایی مانند «است، بود، شد، گشت، گردید و...» وقوع کاری را نشان نمی‌دهند؛ بلکه برای نسبت دادن چیزی به چیز دیگر به کار می‌روند. به این گونه فعل‌ها، فعل اسنادی می‌گویند. در این نوع فعل‌ها ما با نهاد، مسند و فعل اسنادی روبه‌رو هستیم مانند:

* هوا سرد است.

هوا (نهاد) / سرد (مسند) / است (فعل اسنادی).

* دوستان خوشحال بودند.

دوستان (نهاد) / خوشحال (مسند) / بودند (فعل اسنادی).

دانش ادبی

رباعی: شعری است که چهار مصراع (دوبیت) دارد و مصراع‌های اول، دوم و چهارم آن، هم‌قافیه هستند. گاه مصراع سوم را نیز با دیگر مصراع‌ها هم‌قافیه می‌کنند.

دانی که چرا همی کند نوحه‌گری؟

هنگام سپیده دم خروس سحری

کز عمر شبی گذشت و تو بی خبری

یعنی که نمودند در آینه صبح



نکتهٔ املائی

هنگام نوشتن فعل‌های ماضی سوم شخص جمع، مراقب باشیم که آنها را به شکل صحیح نوشتاری بنویسیم، مانند: خوردند به جای خوردن، گفتند به جای گفتن. کلماتی مانند: موسی، عیسی، مصطفی و... باید به همین شکل نوشته شوند؛ هرچند تلفظ آنها متفاوت از شکل نوشتاری آنهاست.

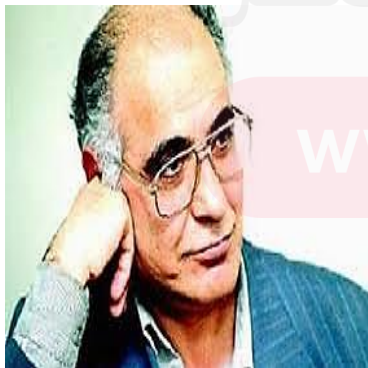


روان خوانی سفرنامه اصفهان

موضوع کلی روان خوانی سفرنامه اصفهان: آشنایی با قالب طنز، آشنایی با زبان محاوره، آشنایی با خاطره‌نویسی و سفرنامه، تقویت علاقه و نگرش مثبت به خاطره‌نویسی، طنز و اهمیت مطالعه در نوشتن.

واژه‌ها و ترکیب‌های مهم: عمارت: بنا، ساختمان / دل‌شوره: نگرانی / یک‌هو: ناگهان، یک‌دفعه / عمارت: بنا، ساختمان / بار و بندیل: اسباب و اثاثیه سفر / ناشتایی: صبحانه، آنچه پس از مدتی غذا نخوردن، می‌خورند / قوم و خویش: فامیل / عازم: رهسپار، روانه / یک دم: یک لحظه / تک و دو: تکاپو، تلاش / دم بازار: ابتدای بازار / گلدسته: مناره / شوفر: راننده / حدود: جمع حد (=اندازه)، تقریباً، نزدیک / هوهو: صدای باد / قامت: قد / رعنا: خوش‌اندام / کله کشیدن: سرک کشیدن / پوزخند: خنده‌ای از روی تمسخر / بیتوته: شب را در جایی ماندن / دم‌دمای سحر: نزدیک صبح / اهالی: جمع اهل، ساکنان جایی / کلافه: ناراحت و بی‌تاب / قراضه: کهنه / دیزی: نوعی آب‌گوشت / غلات: جمع غله، گندم، جو، برنج و... / خوش‌نقش و نگار: زیبا / آهان: بله، واژه‌ای برای تأیید سخنی یا کاری / انگار: مثل اینکه / علف: بی‌کار، سرگردان / عیال: خانواده، همسر / جماعت: گروه، دسته / تصدیق: تأیید کردن درستی سخنی / گوشزد کردن: یادآوری کردن.

نکته‌های ادبی: از کوره در رفتن: کنایه از عصبانی شدن / از زبان افتادن: کنایه از ناتوانی در سخن گفتن / خواب به چشم نیامد: کنایه از اینکه نتوانستم بخوابم / هفت پادشاه را خواب دیدن: کنایه از خواب عمیق / تو ذوق کسی زدن: کنایه از ناامید و مأیوس کردن / لب و لوچه توی هم رفتن: کنایه از اخم کردن و ناراحت شدن / پرپر زدن: کنایه از بی‌قراری و بی‌تابی و عشق و علاقه / مخ کسی عیب کرده: کنایه از دیوانه شده / سر به فلک کشیده: کنایه از بسیار بلند / جا خوردن: کنایه از تعجب کردن.



هوشنگ مرادی کرمانی

هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرج کرمان به دنیا آمد. وی نویسندگی را از سال ۱۳۳۹ شروع کرد. مهم‌ترین آثار این نویسنده توانای کشورمان عبارتند از: قصه‌های مجید، بچه‌های قالی‌باف‌خانه، نخل، داستان آن خمره، مشتی بر پوست، تنور، کوره، مهمان مامان، مربای شیرین، لبخند انار.